

سخن سردبیر

پیشرفت روزافزون دانش بشر و فناوری‌های نوین به ویژه در زمینه پزشکی و زیستگاه انسان بحران‌هایی را در پی داشته که بالطبع سلامت جسمی و روحی انسان‌ها را مورد تهدید و هجمه قرار داده است. از این رو وجود اخلاق و تدوین اصولی اخلاقی و تعیین بایدها و نبایدهایی همگام با اجرای این فناوری‌ها بسیار ضروری می‌نماید. مکاتب مختلف اخلاقی در طول تاریخ با رویکردهای متفاوت و هر کدام به دنبال ناکام یافتن دیگری در مرحله عمل با انگیزه اصلاح رفتار انسان‌ها به وجود آمده‌اند و مورد اقبال گروهی و ادبار گروهی دیگر قرار گرفتند. پیروان این مکاتب نیز در عصر تکنولوژی تلاش نمودند با ارائه اصولی به بهبود زندگی بشر و جلوگیری از آسیب دیدن او در پیچ و خم‌های تمدن و پیشرفت تکنولوژی کمک نموده و کرامت و ارزش‌های انسانی را حفظ نمایند و در هر حال مراحل و مراتبی از اخلاق را بیان کردند. اما در هیچ یک از این مکاتب اثری از ضمانت اجرای اخلاق و پشوانه‌ای برای رفتار اخلاقی انسان‌ها دیده نمی‌شود و این مسأله با توجه به دو گانه بودن غرایز انسان و به خصوص غریزه حب ذات در او که گاهی عقل انسان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد نقیصه و خلأی جبران ناپذیر است.

در مکتب اخلاقی اسلام با توجه به ایمان و اعتقاد به خداوند و معاد، اخلاق در درون جان انسان‌ها ریشه دارد به همین دلیل از آن به «سرشت و سجیه و صفت پایدار در نفس و ملکه نفسانی» که رفتار متناسب با آن‌ها از انسان صادر می‌گردد تعبیر نموده‌اند که برخی از این ملکات فطری و ذاتی انسان‌ها و برخی دیگر با

تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آنها به دست می‌آیند. مهم‌ترین ابزار شناخت و درک اخلاق عقل ناب و سلیم انسان است اما برای شناخت همه مصادیق ارزش‌های اخلاقی به تعالیم و حیانی نیز نیاز است. پیامبر گرامی اسلام (ص) هم فلسفه بعثت خود را کامل نمودن مکارم اخلاق معرفی می‌نماید: «انسی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» و هم با ایمان‌ترین انسان‌ها را با اخلاق‌ترین آنها می‌دانند. اما در کلام نورانی قرآن و احادیث معصومین (ع) از واژه دیگری به نام «تقوا» به طور مکرر سخن به میان آمده و انسان‌ها را بدان دعوت نموده است و خداوند صریحاً با کرامت‌ترین و ارزشمندترین انسان‌ها را با تقواترین آنها معرفی می‌نماید: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم (الحجرات/۱۳)» و در جای دیگر می‌فرماید هر کس تقوای الهی داشته باشد به بینش و بصیرت تشخیص حق از باطل دست می‌یابد: «ان تتق الله يجعل لکم فرقانا (انفال/۲۹)» همچنین تقوا را عامل نزول برکات (اعراف/۹۶)، مورد حب خداوند قرار گرفتن (آل عمران/۷۶)، بهترین زاد و توشه (بقره/۱۹۷)، موجب پذیرش اعمال (مائده/۲۷) و ... بیان فرموده‌اند. پیامبر گرامی اسلام نیز تقوی را عین کرامت دانسته‌اند: «التقوی کرم...» اما این سؤال اساسی مطرح است که تقوی چیست و چه رابطه‌ای با اخلاق دارد؟ حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

«التقی رئیس الاخلاق» تقوا رئیس اخلاق است. یعنی بنیان و

سرلوحه همه خیرها و حسن‌های اخلاقی وجود تقواست. لغت‌شناسان و مفسران

دین تقوا را به صیانت و نگهداری نفس از پلیدی‌ها و بدی‌ها و خویش‌داری در برابر گناهان و محرمات و خوف و ترس از در افتادن در ورطه خودپرستی و غفلت و آلوده شدن به گناهان و رذائل اخلاقی و همچنین اطاعت از اوامر الهی و انجام واجبات معنی و تفسیر نموده‌اند. پس تقوا چنان نیروی کنترل‌کننده‌ای در وجود انسان است که با وجود آن نیاز به هیچ کنترل‌کننده خارجی نیست. از این روست که مولای متقیان (ع) می‌فرمایند: «تقوا اساس انسانیت و اوصاف سجایای اخلاقی است» و آن را درمان بیماری‌های روحی و حتی جسمی انسان می‌دانند: «شما را به پرهیزکاری توصیه می‌کنم... که آن بیماری‌های قلبی شما را برطرف می‌سازد و کوردلی را به نور و روشندلی مبدل می‌نماید و به امراض جسمانی شفا می‌بخشد و سینه‌ها را از فساد پاک می‌کند. شما را از آلودگی درون نجات می‌دهد و پرده‌های ضخیم را که مانع بینایی واقعی است از چشم شما بر می‌دارد و به دل‌هایتان امنیت می‌بخشد، ظلمات و تاریکی‌ها را به نور و امید دگرگون می‌سازد.»

تقوا به معنای قانون‌مداری و اطاعت از قوانین و اوامر خداوند برای رسیدن به کمال و مقام قرب الهی و صیانت نفس از قانون‌شکنی و انجام نواهی و محرمات و حتی برخی مباحات شبهه‌ناک به همان انگیزه می‌باشد و پرواضح است که ارزش و کرامت هر انسانی در گروی قانونمندی اوست و متقین ارزشمندترین، با کرامت‌ترین و با فضیلت‌ترین انسان‌ها هستند. اوامر خداوند نیز جز به حسن‌ها و فضایل اخلاقی و مصالح دنیوی و اخروی و حفظ کرامت انسان‌ها نیست و نواهی او

جز از شرها و بدی‌ها و مفسد دنیوی و اخروی و اعمال ضد کرامت انسانی نمی‌باشد و خداوند همه این‌ها را از ابتدا به انسان‌ها الهام فرموده است: «فَالْهَمُّهَا فَجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا... (الشمس/۸)» و انسان با فطرت پاک و عقل سلیم خود آن‌ها را درک می‌کند. اما از آن جا که بشر با داشتن غرایزی مانند حب ذات، شهوات و غیره دستخوش تغییر می‌گردد هر کجا در درک و تشخیص مصادیق فجور و تقوا به خطا رفت وحی به کمک او شتافته و رسول ظاهری رسول باطنی را متوجه می‌سازد پس انسان متقی همواره راه درست را تشخیص می‌دهد.

بدین ترتیب در رابطه میان اخلاق و تقوا می‌توان گفت: مفهوم تقوا فراگیرتر از اخلاق است. تقوا نگهدارنده و ضامن اجرای اخلاق بوده و ضرورت به کارگیری موازین اخلاقی در پرتو تقوا معنا و مفهوم می‌یابد. تقوا ملاک و معیار ارزش سنجی انسان‌هاست و این موضوعی است که اندیشمندان و صاحب نظران باید بیش از پیش به آن پرداخته و راهکارهای بسط و گسترش و نهادینه کردن آن را در جامعه فراهم سازند.

سردبیر